یادداشت از وزارت خارجه ایران به سفارت انگلیس (اسناد تاریخی)

درباره موسی فرزند کهن کاشانی مشهور به بلور دبوس ز تابعیت دولت انگلیس‏ به سفارت دولت انگلیس-3 رمضان المبارک 1295

مراسله آنجناب مورخه 9 و 28 شهر شعبان 1295 که بعنوان جناب جلالتمآب معتمد الملک‏ در باب موسی پسر برخوردار کوهن کاشی رعیت دولت ایران مشهور ببلور اظهار و دلایلی‏ از اظهارات خودش بر رعیتی او بدولت انگلیس اقامه نموده بودند واصل گردیده با کمال‏ توقیر بزحمت جواب می‏پردازد که اولا شخص یهودی که پدر و جدش شیرازی و مادرش کاشی‏ و متولد در کاشان بشهادت کل یهود حاضر طهران از اهل کاشان و شیراز و طهران و بشهادت‏ پسر عموی خودش که در اینجا حاضر است و بشهادت خانم‏باشی طایفه یهود طهران باشد چگونه مقدور و متصور است که اسم رعیتی دولت انگلیس بر او صدق نماید و ثانیا یکی از اسناد معتبر او تصدیق‏نامه حکیم مسیح است که آن جناب سواد آن را در ضمن مراسله خود ارسال داشته‏اند.از حکیم مسیح استفسار شد صریحا حاضر است و می‏گوید اگر موسی چنان‏ نوشته و تصدیقی به اسم من ابراز نموده باشد تدلیس است و معرفتی در حق او ندارم و بهمین‏ طور که تقریر نموده سندی داده که سواد آن برای مزید اطلاع آنجناب‏ ارسال می‏شود و ثالثا خاخام‏باشی یهودی در ضمن ورقه‏ای که بیست و هفت نفر از معارف‏ و تجار جواهری و اطبای یهود حاضر طهران بر کاشی بودن او و تولد در کاشان او شهادت نوشته است‏ که کاشی و متولد کاشان است و هرگاه به اسم من شهادت‏نامهء ابراز کرده باشد تدلیس است‏ و حال آنکه یک سند معتبر او از قراری که آنجناب نوشته‏اند شهادت خاخام‏باشی است‏ که حاضر و حی و موجود است و بطوری که مذکور شد صریحا تدلیس او را ثابت می‏نماید. رابعا حکیم موسی یهودی که مرد مسن و موثق و در همه‏جا معتبر است صریحا نوشته است‏ که موسای مزبور زائیده کاشان است که سواد این نوشته حکیم موسی و سواد شهادتنامه بیست‏ و هفت نفر معتبرین یهود که متضم شهادت خاخام‏باشی و پسر عموی موسی است لغا برای‏ اطلاع خاطر محترم آنجناب ارسال شده است.خامسا حکیم نورمحمد کاشی که البته معروف‏ آن سفارت هم باید باشد و شخص معتبر و از اعزه و قدمای یهود کاشان است و همین موسی‏ چندی در خدمت او بوده و قرابت دارند و اعرف از جمیع مردم در حق او میباشد و در عروسی‏ مادر موسی از برای برخوردار مشهور به بلور حاضر بوده صریح در شهادتنامه مزبوره می‏نویسد که چندی در طهران به بهانه صرافی در طهران از مردم سرقت زیاد کرده بهمدان فرار نمودن.

میرزا مصطفی خان پسر جناب جلالتمآب میرزا سعید خان تلگراف کرده او را محبوسا بطهران‏ آورده بعد از حبس زیاد حقوق مردم را پرداخته رفته است و چهار سال قبل مراجعت کرده‏ بشغل اول اقدام کرده بعد از حبس التزام ترک دزدی داده فرارا رفته است و کاشی و متولد کاشان است و سواد تلگراف میرزا مصطفی خان بجهت استحضار خاطر آنجناب ملفوفا انفاذ گردیده است که جای هیچگونه تردید نمی‏تواند بود.سادسا یک دلیل او که آنجناب‏ اظهار فرموده‏اند شهادت پسر مقرب الخاقان لسان الملک است که در طهران حاضر است‏ و می‏گوید بالصراحه که من چنان شهادتی نداده‏ام و اگر باسم من چنین چیزی ابراز شود یقینا تدلیس است و اقوام و اقارب و برادر او الان در کاشان موجود و حاضرند.برای احدی‏ مقام تردید و شبهه نیست.سابعا از انصاف فطری خود آنجناب دوستدار با نهایت توفیر و اعتماد سؤال مینمایم که آیا کسی که شغلش سرقت باشد و از قول اشخاص معتبره حاضره در طهران که در هر محفل برای شهادت حاضرند بتدلیس شهادت‏نامه بنویساند بطوری‏که‏ ذکر شد و بسفارت دولت انگلیس بدهد که با وزارت امور خارجه مطرح مذاکره نمایند هرگاه‏ استشهادی از علمای غایب یا از اشخاصی که در شیراز و کاشان میباشند نوشته ابراز نماید محل قبول آن سفارت محترمه یا وزارت خارجه میتواند بود بلکه با رای صائب میتوان فهمید پاسپرتی را هم ابراز نموده است در کلکته بهمین تدلیسات تحصیل نموده.ثامنا در زمان‏ رجوع خدمت و وزارت امور خارجه بجناب میرزا سعید خان بطهران آمده حکم تدلیسی مشعر بر کدخدائی یهود کاشان از وزارت خارجه تحصیل نموده به کاشان برده طایفه یهود آنجا به افغان و شکایت از دزدی و شرارت او آمده یک ماه طول نکشیده که او را محبوسا بطهران‏ آورده‏اند.مقرب الخاقان میرزا نصر اله خان نایب الوزاره از این فقره مستحضر و حاضر است‏ و بدیهی است که نایب الوزاره در اینباب بهیچوجه غرضی ندارد و در هیچ امری تا امروز از او خلاف واقع مسموع و مذکور نشده چنانچه خود آنجناب گواه این مطلب خواهند بود با این حالت جای آن هست که با منتهای احترام زحمت افزا و خواهشمند شوم که حیف است‏ چنین شخص سارق مدلس نسبت خود را بحمایت دولت انگلیس بدهد و محل قبول حاصل‏ نموده و مطرح مذاکره گردد علاوه بر این جعبهء مشترکی او و شریکش که در وزارتخارجه ضبط است‏ بمهر خود و شریکش عالیجاه نورمحمد خان فراشباشی و یک یهودی دیگر ممهور است و بهیچوجه‏ اسمی از رعیتی او بدولت انگلیس مذکور نبوده حتی برای مرافعه شرعی که التزام داده چنین‏ اسمی ذکر نشده.امیدوارم خاطر محترم خود را اصلا به اظهارات تدلسی اینطور آدم‏ مشغول ندارند و دولت ایران او را بدلایل قویه که این ورقه گنجایش ندارد رعیت کاشانی‏ صریح خود میداند و حقوق شریک او را بموجب نوشتجات شراکت‏نامه از او استیفا خواهد نمود و آنجناب نیز راضی نخواهند شد که باین بهانه حقوق ناسی را تلف نماید.